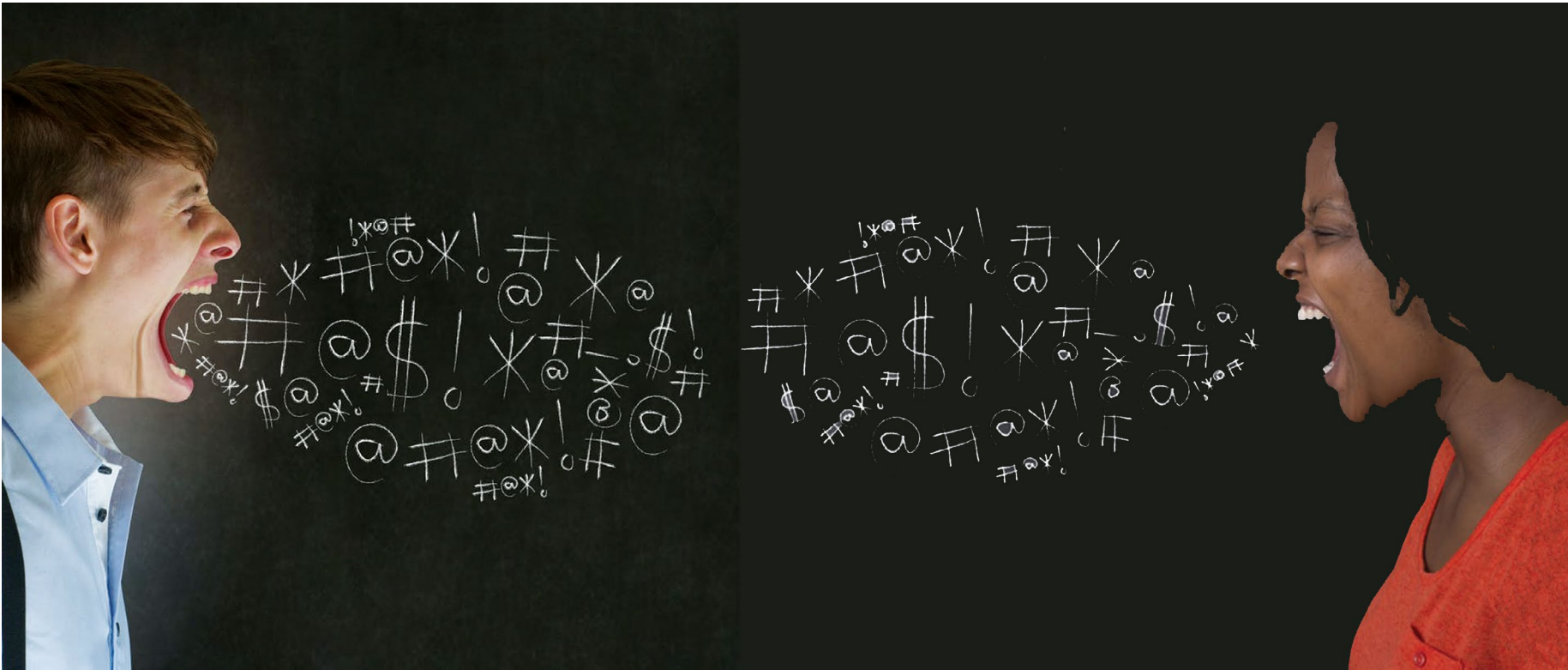




جریان دشنام



سیمیره حنائی

سرش را از پنجره با عصبانیت بیرون می‌کند و فحش می‌دهد. از همان‌ها که خواهر و مادر بیچاره را هدف می‌گیرند، بی‌آنکه مقصر باشند. راننده تاکسی کاری ندارد مسافرش زن است یا مرد. خشمش را سر راننده‌ای که جلوش پیچیده است، خالی می‌کند. ناسزاگویی در ادبیات همه جوامع وجود دارد. استفاده از کلمات تابو در بین هر قشر، جنس و گروهی دیده می‌شود. اگر به جمع‌های دوستانه، حتی در مکان‌های رسمی هم سرکی بکشی می‌بینی که آنجا هم همین بساط است. هرچه کلمات ناسزا قبیح‌تر، افراد خود را بی‌پرده و بی‌آلایش‌تر می‌دانند. برخی ناسزاگویی را نشانه روشنفکری می‌دانند. عده‌ای نیز از این راه برای تخلیه هیجان‌های مثبت و منفی‌شان استفاده می‌کنند. ناسزاگویی و استفاده از کلمات تابو آرام آرام دارد به عنوان یک هنجار اجتماعی برای خودش جایی باز می‌کند. انتشار دو عنوان کتاب با عنوان‌های تابو و استقبال زیاد جوانان ایرانی از آن خود گواهی بر این موضوع است. تحقیقات بسیار کمی در ایران درمورد ناسزاگویی و آثار روانی و اجتماعی آن انجام شده است. بسیاری از سایت‌های علمی بر جنبه‌های مثبت فردی فحش دادن تاکید دارند. تاثیر ناسزاگویی در روابط بین فردی چیست؟ در ادامه ماهیت فحش و ناسزا را تعریف می‌کنیم. تاثيرات مثبت و منفی فردی و بین فردی ناسزا را بررسی می‌کنیم. به این سوال پاسخ می‌دهیم: ناسزاگویی در طولانی‌مدت چه تاثیری بر روابط و خشونت اجتماعی دارد؟

تابوی تاریخی

نفرین در اروپا قرن پانزدهم به حبس یا گاهی اعدام محکوم می‌شد. اگرچه این اقدامات سختگیرانه دیگر در جوامع کنونی اجرا نمی‌شود اما همچنان مقاومت قابل توجهی در برابر استفاده از کلمات فحش در برخی فرهنگ‌ها وجود دارد. قانون در برخی از کشورها فحش دادن را ممنوع کرده است. در هلند «اتحادیه‌ای علیه فحش» وجود دارد. «کمیسون فدرال ارتباطات»، در ایالات متحده سعی می‌کند گفتارهایی توهین‌آمیز در رادیو و تلویزیون را تنظیم کند. با این حال اکثر مردم جامعه غربی به هر از گاهی یک کلمه فحش دادن اعتراف می‌کنند. به نظر می‌رسد قباحث فحش دادن با گذشت زمان کاهش یافته است. با افزایش دفعات استفاده از کلمات تابو، حساسیت در استفاده از این نوع کلمات نیز کمتر می‌شود. همه فحش‌ها شبیه هم نیستند. انواع مختلفی از فحش‌ها توصیف شده‌اند. رایج‌ترین دسته‌های تابو برای فحش دادن در سراسر جهان، شامل اعضای بدن، عملکرد، جنسیت و دین است. متخصصان سلامت روان حداقل پنج روش مختلف فحش دادن را تشخیص داده‌اند: توصیفی (لغتی بازی در میاره)، اصطلاحی (لغت شده)، توهین‌آمیز (لغت به شما، لغتی!)، یا قاطعیت (این لغتی فوق‌العاده است!) و به طور کلی (لغتی!).

نیم‌کره راست، منشا بدگویی

ناسزاگویی موضوعی است که می‌توان آن را از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار داد. علاوه بر ماهیت تابو کلمات فحش، یکی دیگر از ویژگی‌های مهم و مرتبط، ارتباط آن‌ها با احساسات قوی، مثبت و منفی است. بیان احساسات قوی (فحش دادن، خندیدن، فریاد زدن و گریه کردن) در همه فرهنگ‌ها به یک اندازه مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. فحش دادن می‌تواند از عملکرد خاص آن یا میزان کنترل‌پذیری آگاهانه متمایز شود. این عمل همچنین می‌تواند به عنوان راهی برای کاهش سطح استرس شخصی فرد (از راه تخلیه‌کردن احساسات قوی مثل عصبانیت و سرخوردگی) و شدت بخشیدن به ارتباط عمل می‌کند. البته احتمال اینکه فرد پس از ناسزاگویی حمایت تجربی دریافت کند، حتی در بهترین حالت کم است. چندین مطالعه موردی نشان می‌دهند که نواحی مغزی مرتبط با فحش و ناسزا در درجه اول در نیم‌کره راست قرار دارند. اگر فحش دادن به صورت هدفمند در متن سخنرانی یک فرد استفاده شود، نیم‌کره چپ نیز فعال خواهد بود. هنگامی که

ساختارهای مغز آسیب ببینند، فرد به بیماری‌های خاصی مبتلا شود، به طور مرتب و بی‌اختیار دشنام می‌دهد. قشر پیش پیشانی که به خاطر نقش حیاتی اش در تنظیم احساسات شناخته می‌شود. نشان داده شده‌است که نقش خود را در مدیریت ناسزاگویی ایفا می‌کند. این منطقه از بدن مسئول ارزیابی موقعیت‌های اجتماعی و مهار رفتار نامناسب مانند فحش دادن در زمینه‌های خاص است.

چه کسانی بیشتر فحش می‌دهند؟

استفاده از کلمات تابو تنها در بین بزرگسالان مرسوم نیست. کودکان نیز فحش دادن را یاد می‌گیرند، چون ناسزا می‌تواند واکنش‌های منفی قوی را در دیگران ایجاد کند. این عمل می‌تواند عواقب منفی برای فرد ناسزاگورا به همراه داشته باشد. کودکان یاد می‌گیرند که از فحش و ناسزا (مانند سایر رفتارها) به طور انتخابی به عنوان راهی برای رسیدن به اهداف بین فردی در برخی زمینه‌ها استفاده کنند. عوامل جمعیتی

استفاده از کلمات تابو تنها در بین بزرگسالان

مرسوم نیست. کودکان نیز فحش دادن را یاد

می‌گیرند، چون ناسزا می‌تواند واکنش‌های

منفی قوی را در دیگران ایجاد کند. این عمل

می‌تواند عواقب منفی برای فرد ناسزاگورا

به همراه داشته باشد. کودکان یاد می‌گیرند

که از فحش و ناسزا (مانند سایر رفتارها) به

طور انتخابی به عنوان راهی برای رسیدن به

اهداف بین فردی در برخی زمینه‌ها استفاده

کنند. عوامل جمعیتی مانند جنسیت یا سن

می‌توانند بر رفتار بد فرد تاثیر بگذارند.

مانند جنسیت یا سن می‌توانند بر رفتار بد فرد تاثیر بگذارند. طبق تحقیقات، گروه‌های شغلی که توسط مردان اشغال شده‌اند، در آن‌ها فحش و ناسزا شایع است. افرادی که امتیاز بالایی در ویژگی مردانگی دارند، اغلب بیشتر فحش می‌دهند. ناسزا گفتن طولانی به عنوان یک رفتار مردانه تعریف شده‌است. مطالعات متعددی در واقع تایید می‌کنند که مردان بیشتر از زنان فحش می‌دهند. پسران در سنین بالاتر

از دختران نیز بیشتر از کلمات تابو استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که افراد پایین‌تر از وضعیت اجتماعی-اقتصادی نیز بیشتر فحش می‌دهند. ناسزاگویی در یک وضعیت خاص، به تحصیلات یک فرد و آزادی فحش دادن از سوی والدین این فرد بستگی دارد. علاوه بر این، شخصیت نیز یک عامل تعیین‌کننده است. افراد با شخصیت ضداجتماعی بیشتر از دیگران فحش می‌دهند. درحالی که افرادی که نمرات بالایی در تعصب مذهبی، اضطراب و یا سرکوب دارند، به نظر می‌رسد که کم‌تر فحش می‌دهند.

چرا دشنام؟

در یک نظرسنجی از بیش از ۲۰۰ دانش‌جو خواسته شد تا علت فحش دادن خود را بیان کنند. محققان دریافتند که عصبانیت و سرخوردگی (۵۳ درصد) بیش‌ترین علت بودند. پس از آن طنز (۹ درصد) و درد (۶ درصد). تحقیقات قبلی این پژوهشگران نیز نتایج مشابهی را نشان داده بود. عصبانیت و سرخوردگی به عنوان عامل اصلی فحش و ناسزا (۶۴ درصد)، پس از آن شوخ‌طبعی (۱۲ درصد)، طعنه (۵ درصد) گزارش شدند. بنابراین می‌توان فحش دادن را به عنوان حالتی از احساسات مثبت و منفی در نظر گرفت که شدت قابل توجهی را در برمی‌گیرد. به نظر می‌رسد که فحش و ناسزا با احساسات نزدیک بودن اعضا گروه مرتبط است. به طور کلی ناسزا در محیط‌های غیررسمی و خصوصی یا گروهی نسبت به رسمی و عمومی بیشتر تحمل می‌شود. زنان و مردان به احتمال کمتری در حضور شخصی با وضعیت بالاتر یا در حضور کسی از جنس مخالف ناسزا می‌گویند. دشنام دادن در درجه اول زمانی رخ می‌دهد که ناسزاگو یک احساس قوی را تجربه کرده و یا اینکه می‌خواهد از طریق فحش دادن به اهداف خاصی دست یابد. در چنین شرایط مناسب، ریسک قرار گرفتن در معرض واکنش‌های منفی دیگران کم‌تر است. بهترین شرایط مناسب برای ناسزاگویی به نظر می‌رسد که یک رابطه غیررسمی با افراد آشنا از همان وضعیت و جنسیت باشد.

تاثيرات خوب و بد

ناسزاگویی به عنوان راهی برای بیان احساسات شدید(سرخوردگی، پرخاش) ممکن است اثر تخلیه هیجانی تولید کند. یعنی ابراز احساسات منفی ممکن است منجر به کاهش تنش و خشونت فیزیکی شود. این اثر تخلیه هیجانی به عنوان شایع‌ترین دلیل ذکر شده در تحقیقات در میان ۷۲ دانشجو پدید آمد

(راسین و موریس، ۲۰۰۵). ۱۶ درصد از بیش از ۲۰۰ دانش‌آموز پس از فحش دادن احساس آسودگی تنش کردند (جی و همکاران، ۲۰۰۶). دشنام ممکن است جایگزین پرخاشگری فیزیکی باشد. با رها کردن بخار از طریق فحش دادن، احساس عصبانیت و ناامیدی می‌تواند کاهش یابد. در نهایت منجر به احتمال کاهش احتمال پرخاشگری فیزیکی و آشکار شود. دشنام به عنوان ابزاری برای مهار پرخاشگری فیزیکی می‌تواند عمل کند. با این حال، باشمن و همکارانش نشان دادند که تخلیه خشم از راه دشنام ممکن است تمایل به پرخاشگری در آینده را تقویت کند. فحش دادن باعث تسکین استرس کاهش درد جلوگیری از تجاوز می‌شود اما بر فرد در بلندمدت اثرات منفی می‌گذارد. علاوه بر تاثیر مخرب فردی، با کاهش اعتماد منجر به تخریب روابط بین فردی نیز می‌شود. ترس، کاهش پشتیبانی اجتماعی، فقدان وضعیت باثبات و بی‌احترامی را نیز برای فرد در جامعه به همراه دارد.

افزایش فرهنگ فحاشی

ناسزاگویی تحقیقات علمی کمی را در کشور به خود اختصاص داده است. یکی از معدود پژوهش‌های علمی انجام شده در این زمینه، مقاله ی علمی با عنوان «تحلیل جامعه شناختی ناسزاگویی در گفتار به مثابه یک یاد فرهنگ» در سطح شهر رشت است. تلاش برای گفت و گو با نویسندگان این مقاله که در سال ۹۶ منتشر شده است، نافرجام ماند. «مریم ضمیری بلسینه» در پایان نامه کارشناسی ارشدش به علل ناسزاگویی را بررسی کرده است. او از ناسزاگویی، بدزبانی و افزایش خشونت در گفتار به «مقاومت فرهنگی» یاد می‌کند. مقاومت فرهنگی را ناشی از آنومی(ناسازگاری) اخلاقی در جامعه امروز می‌داند. این مقاله ناسزاگویی را در بین ۳۸۴ جوان در سطح شهر رشت بررسی می‌کند. در این میان متغیرهای اعتماد اجتماعی، جهانی شدن فرهنگی و سرمایه فرهنگی بیشترین اهمیت را داشتند. افرادی که به اطرافیان خود اعتماد بیشتری داشتند کمتر به ناسزاگویی روی می‌آوردند. سرمایه فرهنگی بالاتر نیز در حکم عاملی بازدارنده، مانع استفاده فرد از ادبیات ناسزاگونه در گفتار بود. طبق این تحقیق، جهانی شدن فرهنگی همبستگی مستقیمی با میزان ناسزاگویی در گفتار دارد. در واقع با بالا رفتن جهانی شدن فرهنگی پاسخگویان بر میزان ناسزاگویی در گفتار افزوده شده با پایین آمدن آن از میزان ناسزاگویی در گفتار کاسته می‌شود. به عنوان مثال در فیلم هاي سینمایی، ترانه‌های رپ، راک و جاز، ناسزاگویی به

دشنام ممکن است جایگزین پرخاشگری

فیزیکی باشد. با رها کردن بخار

از طریق فحش دادن، احساس عصبانیت

و ناامیدی می‌تواند کاهش یابد.

در نهایت منجر به احتمال کاهش

پرخاشگری فیزیکی و آشکار شود. دشنام

به عنوان ابزاری برای مهار پرخاشگری

فیزیکی می‌تواند عمل کند. با این حال،

باشمن و همکارانش نشان دادند که تخلیه

خشم از راه دشنام ممکن است تمایل به

پرخاشگری در آینده را تقویت کند.

عنوان یک ارزش پذیرفته شده است. با رواج این محصولات آن دسته از افرادی که از فرهنگ‌های غیرومی تبعیت می‌کنند، با افزایش میزان مواجه و مصرف ناسزا در پیام‌های دریافتی، ارزش مذکور را در خویش نیز درونی کرده و آن را در ادبیات محاوره نیز استفاده می‌کنند. بر اساس یافته‌های کلی این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که میزان بی‌اخلاقی در سطوح مختلف جامعه و مبدل شدن آن به فرهنگ عمومی است. این تغییر که نشان‌دهنده ناسازگاری و مخالفت با ساختار اجتماعی است خود را از طریق مصادیق مختلف از جمله بهنجار شدن ناسزاگویی در خرده فرهنگ جوانان نشان می‌دهد. شواهد نشان می‌دهد که ناسزاگویی در بین جوانان به صورت نیرومند و تأثیرگذار در حال افزایش است؛ چون که در پس زمینه آن کنش‌های بسیار قوی وجود دارد. طبق یافته‌های تحقیق، ناسزاگویی به مثابه شیوه‌ی مخصوص ارتباط گاه صمیمی و گاه دگرستیز، نه تنها شامل الفاظ طبقه‌بندی شده بلکه طبقه‌بندی فرد در شیوه‌های معاشرت و آداب سخن گفتن است.

منابع:

Swearing: A Biopsychosocial Perspective, Ad J.J.M. Vingerhoets, Lauren M. Bylsma, Cornelis de Vlam

تحلیل جامعه شناختی ناسزاگویی در گفتار به

مثابه یک یاد فرهنگ، مریم ضمیری بلسینه، نادر

افقی، فریدن علیخواه